

۷۳_ ای دختر ملکوت نامه‌ات رسید و از مضمون معلوم گردید که فکر ترا حصر در اقتباس انوار از ملکوت اسرار نموده بودی تا فکر انسان متفرق است ابدأ نتیجه ئی نبخشد ولی اگر در یک نقطه فکر جمع شود نتایج عظیمه بخشد مانند آفتاب که در مرآت مسطح تأثیر تام ندارد ولی چون در مرآت مقعر یا در مرآت محدب تجلی نماید جمیع حرارت در نقطه جمع شود و آن نقطه از آتش حرقتش بیشتر است پس باید فکر را در نقطه جمع کرد تا قوه نافذه گردد . خواسته بودی که در روز رضوان محفلی بیارائی و بزم و جشنی فراهم آری و نفوسیکه در آن روز در آن محفل اجتماع نمایند بنهایت سرور و حبور بتلاوت الواح پردازند و از من نامه خواستی که در آن روز بخوانی آن نامه در ذیل است .

ای یاران و اماء رحمن امروز روزیست که شمس حقیقت از افق وجود اشراق نموده فجرش ساطع و شعاعش لامع بقوتیکه ابرهای متراکمه متلاشی شد و در نهایت اشراق از افق عالم طالع و لائح گشت اینست که در کائنات اهتزاز جدیدی مشاهده مینمائید ملاحظه کنید که دائرهء علوم و فنون در این عصر چه قدر اتساع یافته و صنایع و بدایع عجیبه چگونه جلوه نموده و قوای فکریه چگونه ترقی کرده و اختراعات عظیمه چگونه بظهور آمده این عصر حکم صد عصر دارد یعنی اگر آثار صد عصر را جمع نمائی و آثار این عصر را نیز جمع نمائی آثار این عصر تفوق بر آثار صد عصر دارد مثلاً جمیع کتبی که در اعصار ماضیه تألیف شده جمع نمائی و کتب و رسائلی که در این عصر تألیف شده آنرا نیز جمع نمائی کتب مؤلفه در این عصر اضعاف مضاعف کتبی است که در اعصار ماضیه تألیف شده است ملاحظه نمائید که اشراق نیر آفاق چه تأثیر در حقایق موجودات نموده و لکن هزار افسوس که چشمها نابینا و گوشها ناشنوا و عقول و قلوب غافل از این موهبت کبری پس بجان و دل بکوشید تا خفتگان بیدار شوند و کوران بینا گردند و مردگان زنده شوند *